

کتاب دوم - بنیاد تمدن اسلام و عرب

این خلفا که از اولاد عباس عموی پیغمبر بودند، اولین اقدامی که نمودند تمام خاندان امیه را بغیر از يك پسر که اتفاقاً جان در برده و در سال ۷۵۶ در اندلس حکومت مستقلة ای تشکیل داد همه را بقتل رسانیدند.

در ابتدای قرن دوم هجری خلافت اسلام تا ایندرجه توسعه پیدا نمود که دیگر جلو تر از آن نرفت، آنوقت حکومت اسلام از جبال پیرنه<sup>(۱)</sup> و جبل الطارق تا هندوستان و از سواحل بحر متوسط تا ریگستان افریقا وسعت و بسط پیدا کرده بود و یکقسمت معظم آسیا یعنی از کوهستان عربستان تا ترکستان و از کوه میر تا روس<sup>(۲)</sup>، تحت فرمان خلفای اسلام درآمده بود. ایران که سر تاسر آن فتح شده و از کابل تا رود سند تماماً تحت بیرق اسلام درآمده بودند و در اروپا اندلس و جزایر بحر متوسط، در افریقا مصر و تمام قسمت های شمالی آن تماماً مطیع قانون اسلام بودند. دوره جهانگیری اسلام آنوقت به اتمام رسیده و عصر جهانیانی یعنی اصلاحات و انتظامات شروع گردید و فاتحین اسلام تمام هم خود را بترقیات تمدنی و عمران و آبادی معطوف داشتند. اوایل خلفای عباسی مسلمین در تمدن پیشرفت نمایانی کردند؛ علوم یونان را اخذ نموده، شالوده يك تمدن باشکوه و مجدی را ریختند که در ادبیات و علوم و فنون باوج کمال رسید، ویژه زمان **هارون الرشید** (از سال ۷۸۶ تا سال ۸۰۹ میلادی) علوم و فنون و حرفت و تجارت با آخرین درجه ترقی رسید. شعرا و ادبا و سایر ارباب فضل و کمال نام نامی این خلیفه را که کتاب الف لیلة و ایله نمونه ای از شوکت و جلال اوست بتمام اقطار عالم رسانیدند. شاهنشاه روم شرقی



(۵۵) - زوین یکی از شاهزادگان عرب مصری

۱- Pyrénées.

۲- Taurus.

خراج گذار همین خلیفه بود، این ترقی تا زمان مأمون باقی بود، لیکن چون وسایل و اسبابی که ملل و اقوام مختلفه این حکومت وسیعه را تحت یک نفر سردار (خلیفه) قرار داده و همه را مطیع و منقاد او ساخته بنیان و اساس آن آنقدر محکم و استوار نبود که تا مدتی بتواند بحال استقرار باقیماند؛ لذا بعد از چندی حکومت مزبوره بنای تجزیه را گزارد و از هر طرف علم خود سری و استقلال بلند شد ولی باز در همین حکومت‌های جزو هم بیرق مدنیت اسلام تا یکمدهات طولانی در اهتزاز بوده است.

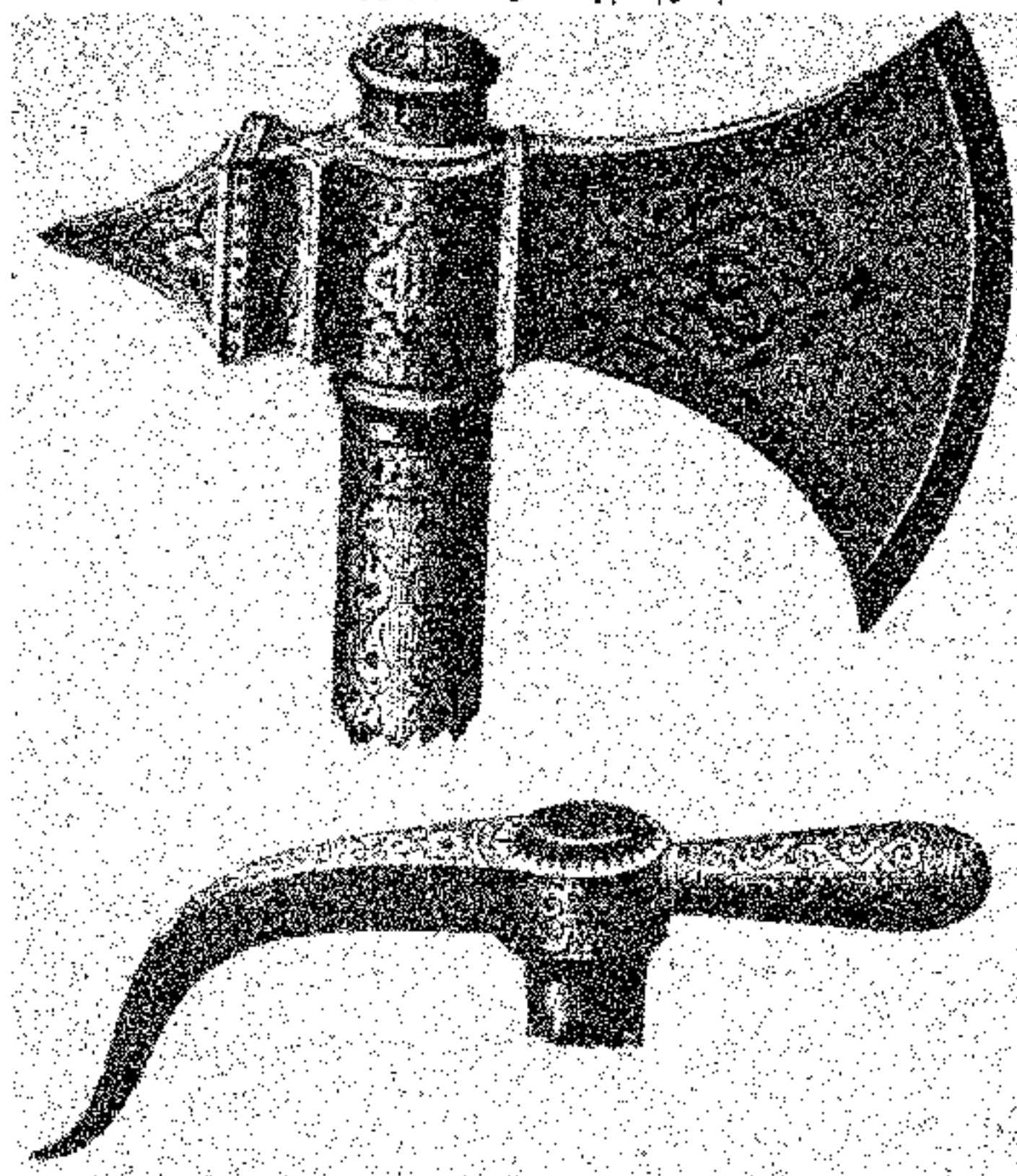
علائم و امارات این تجزیه مخصوصاً در اواخر قرن دوم ظاهر و هویدا شده لیکن شروع آن در قرن سوم هجری بوده است.

درین قرن اول جائی که در آنجا علم استقلال بر افراشته شده  
قرن سوم هجری  
خلافت مستقله‌ای تشکیل یافت قرطبه بوده است، سپس در ایران و هندوستان و در خود مشرق بغداد نیز حکومت‌های کوچکی روی کار آمده و بالاخره طولی نکشید که بنگ عدّه حکام خود سر در اطراف دارالخلافت اسلام گرد آمدند.

**طولون (۱) مصری حکومت مستقله‌ای تشکیل داد، افریقا بکلی مطلق العنان گردید. استقلال خلافت اندلس بحدّ کمال رسید.**

مسئله تقسیم و تجزیه ممالک اسلام که در بالا اشاره شد، درین  
قرن چهارم هجری  
قرن هم جریان داشت و دارالخلافت اسلام از بغداد تغییر کرده به مصر انتقال یافت. اگرچه این مرکز باستانی تمدن عربی هنوز هم رونقی بسزا داشت ولی مرکز رسمی آن در آنوقت فقط اندلس بوده و دانشگاه‌ها و دانشگاه‌های طلیطله، شرناطه، قرطبه تمام دانش جویان دنیا و بزرگ دانش جویان اروپا را بطرف خود جلب نموده و بالاخره اسپانیول اولین مرکز دانش و تمدن شناخته میشد.

درین قرن دو حادثه خیلی بزرگ اتفاق افتاد که یکی هجوم  
قرن پنجم هجری  
اتراک ساجوقی و دیگر حادثه جنگ صلیب میباشد و شرح آن بنحو اجمال این است که اعراب در فتح ترکستان جمع کشیری از اتراک را اسیر نموده با خود بدارالخلافت بردند و آنها ابتدا جزو یاسداران (قراولان) دربار خلافت مشغول خدمت



(۵۶، ۵۷) - تبرزیت های یکی از شاهزادگان عرب مصری

شده لیکن بتدریج قوت گرفته تا اینکه که زمام حکومت را بدست گرفتند. آنها در ابتدای امر اطراف و جوانب بغداد را متصرف شدند، سپس قسطنطنیه را محاصره کرده و بالاخره تمام شامات را هم فتح نمودند. این اتراک بجای حکومت عربی اسلامی که اساس آن بر انصاف و مروّت و همدردی بود حکومتی تأسیس نمودند که پراز تعصب و جور بوده است، چنانکه از اشاعت دیانت مسیح جداً بنای مخالفت و جلوگیری را گذاشته و نسبت بزائرین بیت المقدس از هیچگونه اذیت و آزاری فرو گذار نمینمودند.

اروپا که از یکمدتی کشور گیری مسلمین را بنظر هیبت و رعب نگاه میکرد از حالا بنای جنبش را گذاشت . از یکطرف بوسیله تبلیغات و تحریکات **پیرارمیت** (۱) و از طرف دیگر اعلان عمومی جهاد که از طرف **اوربن دوم** (۲) پاپ شده ، بالاخره اسباب و مقدمات جنگ اول صلیب را فراهم نموده در سال ۱۰۹۵ میلادی مجاهدین نصاری فلسطین حمله برده آن را فتح نمودند ، حتی **سعود فروادوبویلون** (۳) توانست حکومتی هم در بیت المقدس ( ولی بی درآمد ) تشکیل دهد .

در همین قرن نصاری خاندان سلطنتی اسلام را از جزیره سسیل خارج ساخته و در خود اسپانیول هم تا درجه ای کامیابی حاصل نمودند و قبضه نمودن طلیطله بدست **آلفونس دو کاستیل** (۴) ابتدای فتوحاتی است که بعد از ۴۰۰ سال مجاهدت و کوشش حاصل گردید .

موقیعی که نصاری در مشرق حاصل نمودند بر جسارت آنها افزوده **قرن ششم هجری** در سال ۱۱۴۷ میلادی جنگ دوم صلیب را شروع کردند ، لیکن این جنگ و جنگم-ای دیگری هم که بعد از این جنگ برای استرداد بیت المقدس رویداد در تمام این مواقع شکست با مسیحیان بوده است . سلطان **صلاح الدین ایوبی** (۵) فلسطین را فتح نموده و نصاری را بکلی خارج ساخت . اگر چه بعد از این یعنی در سال

۱- Pierre l'Ermitte ، یک نفر راهب فرانسوی است ، او در سنه ۱۰۹۵ میلادی از قاندرین جنگ صلیبی بوده و با صلیبیان فلسطین حمله برد .

۲- Urbain II ، در سال ۱۰۸۸ میلادی بنصب پاپی نایل شد و در سال ۱۰۹۹ میلادی درگذشت

۳- Godefroy de Bouillon ، دوک فرانسه بود ، او در سال ۱۰۹۹ میلادی بیت المقدس را فتح نمود و بعد با سلطنت منتخب گردید ، سال ولادتش ۱۰۶۰ و وفات او ۱۱۰۰ میلادی میباشد .

۴- Alphonse de Castille .

۵- سلطان مصر و شام ، از خاندان آزد بود ، او با عدوی خود **نورالدین** به مصر آمده و تا چندی صدر اعظم او بود و بعد از فوئش در سال ۱۱۶۳ میلادی پادشاه مصر شد و شام را فتح نموده و در سال ۱۱۸۶ میلادی فلسطین حمله برد و در طبریه صلیبیان را شکست داد . سال ولادتش ۱۱۲۷ میلادی و وفات او ۱۱۹۳ میباشد .

۱۱۸۹ میلادی جنگ سوم صلیب شروع شد که **فردریک باربروس** ، **فلیپ اگوست** و **ریشار کوردوایون**<sup>(۱)</sup> که از سلاطین بزرگ بودند در آن شرکت داشتند ولی با اینصورت نتوانستند از **عهدہ صلاح الدین** بر آیند و بیت المقدس کماکان در دست **صلاح الدین** باقی ماند .

قرن هفتم هجری درین قرن هم باز چندین جنگ صلیب اتفاق افتاد ؛ لیکن در تمام آن جنگها فتح با مسلمین بوده است و مخصوصاً در جنگ چهارم که در سال ۱۲۰۲ واقع شد صلیبیان در عوض حمله بر مسلمین ، قسطنطنیه را که پای تخت مذهب مسیح و متعلق بهم کیشان خود آنها بود غارت نمودند و حکومت جدیدی ( باسم روم شرقی ) در آنجا تشکیل دادند ، ولی آنها مثل حکومت بیت المقدس طولی نکشید که از دست صلیبیان خارج گردید .

بعد ازین جنگ چهار جنگ صلیب دیگر هم واقع شد که در هر یک از آنها شکست با نصاری بوده است ، ویژه در جنگ هفتم **سن لوئی**<sup>(۲)</sup> اسیر گردید و بعد از دادن مبلغ هنگفتی باسم فدیہ از حبس خلاص شد ، لیکن در جنگ هشتم ، آن بیچاره پسای دیوارهای ( تونس ) بمرض طاعون در گذشت . در حالتی که این خیال موهوم که او یکنفر عیسائی را حاکم تونس فرار بدهد هنوز در کله اش باقی بود و این آخرین جنگ صلیب بوده و بر اروپائیان ثابت گردید که هنوز چنین لیاقتی در آنها پیدانشده است که بتوانند در مقابل مسلمین مقاومت کنند و بدینجهت برای گرفتن فلسطین بعد از این هیچ اقدامی ننمودند چنانکه بیرق اسلام در تمام این مقامات هنوز در اهتزاز میباشد . زمانیکه مسلمین با دشمنان غربی خود مضرانه مشغول پیکار بودند یک دشمن خونخوار و زبر دستی از سمت مشرق سر بلند نمود یعنی **چنگیز خان** مغول از دشت تاتار قیام نموده دفعتاً بممالک آسیا هجوم برد . چین ، ایران ، هندوستان را قبضه نموده و در سال ۱۲۵۸ میلادی طایفه مغول حمله ببغداد برده خاندان **عباسی** را که مدت پنج

۱- Cœur de Lion, Philippe Auguste, Frédéric Barberouss.

Richard ، این سه نفر که باهم معاصرند از پادشاهان آلمان ، فرانسه و انگلستان میباشند

۲- Saint - Louis ، لوئی نهم پادشاه فرانسه است که در سال ۱۲۲۶ میلادی سلطنت داشت .

قرن سلطنت مینمودند  
بکلی منقرض ساختند .  
اگر چه مغولها  
هم مثل اترک وحشی  
بودند ولی فرقی که با هم  
داشتند اینکه در آنها  
(یعنی مغول) تا حدی  
سلاحیت این بود که  
تمدنی را قبول کنند .  
راست است آنها از خود  
تمدنی نیاوردند ولی  
تمدنی را که عرب سنگ  
بنیاد آنرا گذاشته بود  
حاضر شدند سر مشق  
اقتباس خود قرار دهند  
ولذا با وجود برچیده  
شدن بساط خلافت



(۵۸) - کلاه خود یکی از شاهزادگان عرب مصری

عرب از تمام این سرزمین ها تمدن مزبور مثل سابق بحال خود باقی ماند و تزلزلی در آن  
روی نداد .

اعراب وقتی که از مشرق دستشان کوتاه گردید و حکومتی که داشتند خانمه  
پیدا نمود ناچار تمام قوای خود را در مصر و اندلس جمع آوری نمودند .

قرن هشتم هجری تاریخ این قرن پُر است از جنگهایی که بین ترک و مغول واقع  
شده و این تنازع و کشمکش هم بر سر حکومت مشرقی اعراب  
بوده که هر کدام میخواستند آن را بخودشان تخصیص دهند . باید دانست که دوره انحطاط  
خود اعراب هم شروع شده بود .

**قرن نهم هجری** در این قرن اسپانیول از دست اعراب خارج شده و حکومتی که در آنجا از هشتصدسال باینطرف داشتند با تمدن شان هردو بتمام معنی خاتمه پیدا نمود. **فردیناند**<sup>(۱)</sup> اسپانی در سال ۱۴۹۲ میلادی آخرین دارالخلافه اسلامی را که غرناطه بود تصرف نموده حکم قتل عام و اخراج عمومی را صادر نمود و آن تا زمان چانشینان اوهم جریان داشته است. عده مقتولین و منفی شدگان مسلمین درین مدت بالغ بر شش کرور میشود و بالاخره پرتو تمدن و ترقی اسلامی که از مدت هشتصد سال اروپا را روشنی میبخشید برای همیشه از نظرها غایب گردید.

**قرن دهم هجری** حکومت دنیوی عرب درین قرن یکسره خاتمه پیدا نمود. فقط دیانت، تمدن، زبان باقی ماند که تا امروز در مشرق شایع است و اقوامی هم که بر آنها غالب آمدند آن اقوام نظیر برابره که روم را فتح کردند از آنها پیروی نموده و عملیات و کارهای ایشان را باینک جدیدتی ادامه دادند، چنانکه در قسطنطنیه بجای صلیب بیدق ماه و ستاره اسلام بر افراشته شد که دنیای مسیحیت را بمخاطره انداخت.

لیکن اترک که ممالک اسلام را فتح کردند اگر چه از نظر جنگجویی و سلحشوری ملت لایقی بشمار آمده ولی اوصافی که مخصوص یک ملت راقیه است چون در آنها نبود لذا علاوه بر اینکه تمدن اسلام را بسط و ترقی ندادند نتوانستند آنرا بحالت سابق خود هم نگاهدارند. اینکه در امثال عرب میگویند: «جائیکه ترک یا گذاشت در آنجا گیاه نمیروید» اشاره است باینمعنی.

در آئیه این مطلب معلوم خواهد شد که بعد از عرب این کشورگیران جدید اساس حکومت قدیم اسلامی را تا چه اندازه خراب و ویران نمودند.

۱- Ferdinand.





کتاب سوم

خلافت اسلام

چاپ سوم

# باب اول - سلیم در شام

## فصل اول

### تصادف اعراب با ممالک مفتوحه مختلف

ما در ابواب این کتاب شرح حال و گزارش اعراب را در قطعات مختلفه دنیا از نظر خوانندگان میگذرانیم. لیکن قبلا در نظر گرفته شرحی از ترقی و تمدن آنان را بطور کلی ذکر کرده خاطر نشان نمائیم که هنگامیکه آنها با اقوام مختلفه دنیا تصادف شدند بهر کدام چه تأثیری بخشیده و چه اثری از هر یک قبول نمودند. برای اینکار یعنی معلوم نمودن میزان این ارتقاء تمدنی، آثاری را که آنها در هر یک از ممالک مفتوحه بیادگار گذاشتند تحت نظر گرفته و تحقیق خواهیم نمود. معلوم است که بعد از دست آوردن این اطلاعات کلی تمام عوامل و علل و اسباب مختلفی که از فراهم شدن آنها این تمدن تشکیل یافته میتوان هر کدام را در ابواب آینده باسانی در تحت دقت نظر قرار داده از آن بحث نمود.

مسلمین و قتیکه به بخشهای مختلفه آسیا، افریقا، اروپا که جزو سلطنت وسیعه آنها بوده رونمودند در این سرزمین ها، با اقوامی سر و کار پیدا نمودند که از حیث تمدن و تربیت دارای مدارج مختلفه بودند. مثلا از طرفی اقوام نیم وحشی بعضی بخشهای افریقا و طرف دیگر اهالی شام قرار داشتند که اثر تربیت و تمدن روم و یونان در آنها بدرجه کمال بوده است.

از اینجا معلوم گردید عوامل و وسائل زندگی که اعراب در نقاط مختلفه به آن مواجه شدند با یکدیگر متفاوت بوده و بواسطه همین تفاوت و اختلاف بوده است که تمدن شان هم دارای مدارج مختلفه گردید.

ما وقتیکه وضع و کیفیت تمدن اسلام را بنحو تفصیل ملاحظه میکنیم این تفاوت را می بینیم که محسوس و آشکار میباشد، تمدن مزبور که تا هشتصد سال دوام پیدا نموده و مورخین از آن طوری سخن میرانند که گویی آن مربوط بیکدوره و یا به يك وضع و حالت و يك ملت بوده در حقیقت دارای مدارجی است که نهایت درجه با یکدیگر متفاوت میباشد.

معماری، ادب، علوم و فلسفه حتی مذهب هم در هر يك از ممالک مختلفه اسلامی باهم متفاوت بوده است. مذهب و زبان البته دو چیزی بود که در تمام اعراب عمومیت داشته و نیز در تمام ممالک مختلفه سنگ بنیاد اتحاد بوده، لیکن ترقی تمدنی این ممالک مختلفه را یکی دانستن مانند این است که بگوئیم ترقی قرون وسطی و دوره تجدید حیات علمی با عصر حاضر يك وضع و حالت بوده هیچ تفاوتی با هم ندارند.

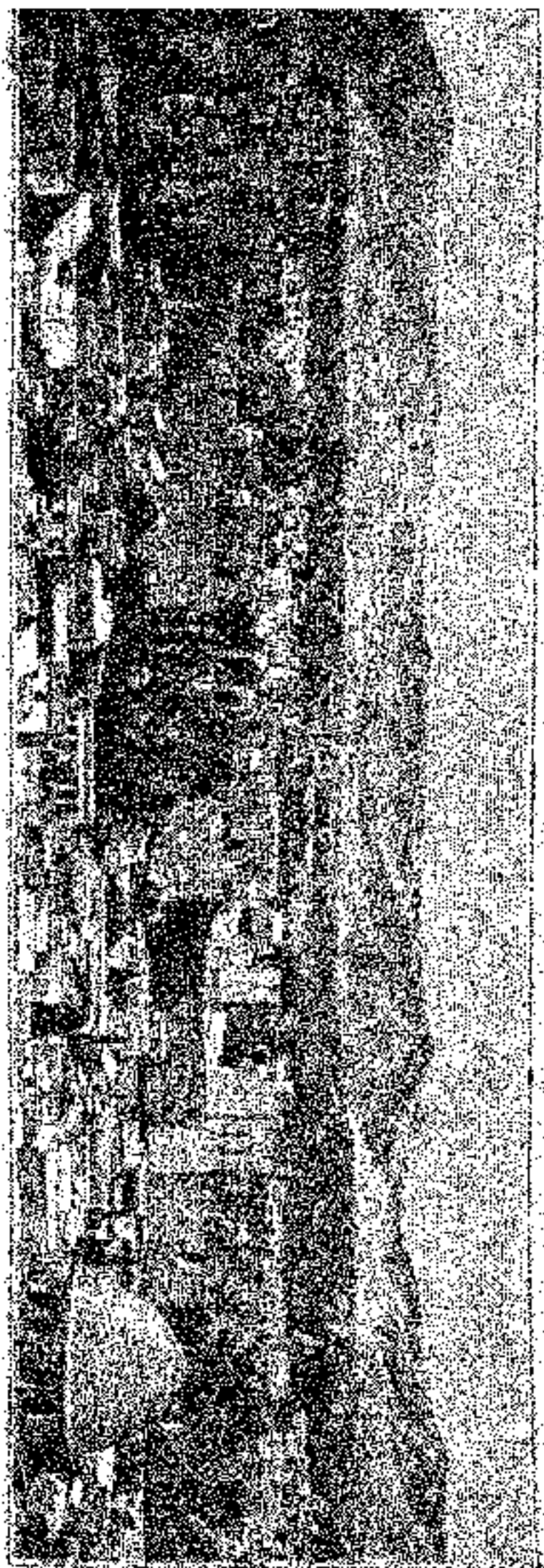
## فصل دوم

### استیلای عرب بر شام

زمانیکه مسلمین داخل سرزمین شام شدند کشور مزبور از هفتصد سال باینطرف زیر حکومت رومیان بود. بیان گذارش و وقایعی که منتهی بفتح شام میشود در هم و مغشوش است. مورخین اسلام که **واقعی** در میانه آنها بیشتر محل اعتماد است، شرحی که در این باب نوشته بقدری مبالغه آمیز میباشد که اعتماد بر آن مشکل است و بموجب اقوال آنان بهادری و رشادتهائی که در این میادین از مسلمین بروز نموده، نظیر همان رشادت و بهادریست که **ههر** به پهلوانان خود نسبت داده تا این اندازه که زنان هم از خود ابراز رشادت و شجاعت نموده اند. برعکس مورخین روم شرقی در تاریخ نویسی آن عصر يك نوع سکوت عاقلانه اختیار کرده اند، زیرا مسلمین، شام را بقدری سهل و آسان تصرف نمودند که برای چنین سلطنت معظمی واقعاً شرم آور بوده است. جزئیات فتح شام هر چه میخواهد باشد ولی درین شکی نیست که بعد از حملات چندی که ابتدا در آن فتح و شکست هر دو توأم بوده مسلمین تمام کشور را گرفتند.

از جمله فتحی که در اوایل  
 شده و آن از بزرگترین فتوحات شمرده  
 میشود فتح دمشق بوده . این شهر در  
 زمان خلفای بنی امیه بجای مدینه  
 پایتخت اسلام بوده و در سال ۶۳۴ هجری  
 همان روزیکه ابو بکر خلیفه اسلام  
 وفات یافت ، شهر مزبور بتصرف  
 مسلمین درآمد ( ۶۳۴ میلادی )  
 وقتی که این خبر به هرقل  
 رسید فریاد زد : « ای شام ، الوداع !  
 الوداع ! » در واقع کشور شام از دست  
 سلطنت روم شرقی خارج شده بود . بعد  
 از جنگ یرموک (۱) که بیش از سه روز  
 طول نکشید مسلمین تمام شهرهای  
 بزرگ آنجا را یکی بعد از دیگری  
 گرفتند . یالمور (تدمر) ، بعلبک ،  
 انطاکیه ، طبریه ، ناپلوس ، بیت -  
 المقدس ، صور و طرابلس تمام آنها را  
 بتصرف خود در آورده و بیک سلطنت  
 هفتصد ساله خاتمه دادند و هرقل  
 بطرف قسطنطنیه فرار کرد .

بزرگترین  
 (۱) یرموک



در میان شهرهایی که اعراب  
 فتح نمودند بیت المقدس از جمله  
 شهرهایی بود که فتح آن بیشتر از همه

۱- یرموک قصبه ایست در شام که در نزدیکی آن هرقل امپراطور روم شرقی در سال ۶۳۶ شکست  
 سختی از اعراب دید .

اسباب شهرت آنها گردید و در آمدن این شهر تحت حکومت اسلام در نظر مسلمین بغایت مهم بوده است، چه آنها هم مانند مسیحیان این شهر را مقدّس می‌شمردند. در این شهر حضرت عیسی وفات یافته و در آنجا نیز مقامی است که پیمبر اسلام از همانجا با آسمان عروج نمود.

مسلمین همانطور که در فتح بیت المقدس از خود جوش و حرارت بروز دادند، در نگاه داری آنهم نهایت اهتمام را بعمل آوردند. **سفر و نیوس بطریق خلیفه بزرگ نصاری** برای حفاظت و دفاع از قبر معبود خویش، حضرت مسیح، فوق العاده یابرداری نموده ولی چون مقدر بود که بالای قبر مسیح بجای صلیب بیرق اسلام بر افراشته شود لهذا بعد از چهار ماه محاصره **سفر و نیوس** مجبور بصلح گردید ولی باین شرط که کلید های شهر و قلعه را خودش بدست خلیفه مسلمین بسپارد، اعراب این شرط را پذیرفته بخلیفه اطلاع دادند و در نتیجه عمر تنها از مدینه حرکت نمود در حالیکه سوار بر يك شتر و لوازم سفر از منحصر بيك مشك آب و انبانی بود که در آن قدری جو و برنج و میوه خشك بوده است. عمر شب و روز قطع مسافت نموده تا اینکه وارد بیت المقدس گردید، او نسبت بمردم شهر با کمال ملایمت رفتار نمود، در مذهب و رسوم و عادات و جان و مال و متاع بآنها آزادی کامل داده در مقابل مقرر داشت مبلغ کمی بعنوان جزیه از ایشان دریافت دارند.

مسلمین نسبت بسکنه شام تا این اندازه حس همدردی بروز دادند که اهالی شیفته و فریفته این وضع سلوک شده طبعاً بنای اطاعت را گذاشتند تا اینکه بتدریج مذهب قدیم خود را ترك گفته در عوض مذهب و زبان فاتحین خود را اختیار نمودند، چنانکه از آنوقت تا کنون شام چندین سلطنت و حکومت عوض نموده ولی مذهب اسلام و زبان عربی همان نفوذ را داراست که در اوایل اسلام دارا بود.

**هرقل امپراطور مشرق بواسطه شکست های متوالی که در شام دیده بود خوف و دهشتی از مسلمین پیدا کرده بغایت مرعوب بوده است و مسلمین هم با کمال جسارت نسبت باو رفتار میکردند چنانکه از نامه ذیل دایر بر تقاضای مرخصی یکنفر از سرکردگان مسلمین**

که در حبس هرقل بوده میتوان زمینه ای در اینباب بدست آورد. عمر به هرقل چنین مینویسد -

« بسم الله الرحمن الرحيم . الحمد لله رب العالمين والصلوة على رسوله ، این مکتوب از طرف بنده خدا عمر به هرقل امپراتور شرق . عبدالله بن حذیفه را که در حبس شماست باید بمجرت وصول این نامه آزاد و روانه نمائید، چنانچه بموجب آن عمل شد امید است که خداوند شما را براه راست هدایت نماید و الا برای جهاد با تو کسانی را میفرستم که تجارت و مال دنیا نتواند آنها را از وظایف الهی باز دارد . در خانمه سلامت از آن کسی است که پیرو راه راست باشد . »

هرقل که این مکتوب را خواند بجای اینکه متغیر به شود فوراً حکم داد اسیر نامبرده را از حبس آزاد کرده با هدایا و تحف زیاد نزد خلیفه فرستاد.

شکی نیست که امپراتوران روم شرقی وارث همان سپاهیان بودند که وقتی با نیروی دلاوری و رشادت تمام دنیا را بتصرف خود درآوردند، لیکن باید دانست فکر بلند عالی و حرارت و جوشی که در آنها وجود داشت آنوقت بکلی خانمه یافته و سرد شده بودند .

بعد از تکمیل فتح شام و انتظام امور این کشور جدید عمر ، بسمت مدینه مراجعت نمود و سرداران خود دستور داد که در توسعه و بسط کشور بکوشند، در آنوقت از روم شرقی و ایران غنائمی که جمع شده بود بقدری زیاد بود که در این میانه برای هر يك از صحابه باختلاف مراتب خدمت از هزار الی پنجزار درهم سالیانه وظیفه مقرر گردید .

## فصل سوم

### تمدن اسلامی در شام

شام زیر حکومت مسلمین دوباره همان ترقی و تعالی را حاصل نمود که از سالیان دراز فاقد بوده چنانکه در زمان خلفای بنی امیه و بنی عباس تمدن شام باوج کمال رسید . مسلمین نسبت بر عایای خود با کمال انصاف و مروّت و مردانگی رفتار نموده بآنها در مذهب آزادی کامل داده و در عصر حکومت آنها رئیس اساقفه کلیسای شرقی و غربی بقدری راحت و آزاد بود که تا آن وقت برای او چنین چیزی میسر

نبوده است . شهرهای بزرگ شام از قبیل :  
بیت المقدس ، صیدا ، دمشق ، صور ، تمام آباد  
و معمور و از حیث صنعت و حرفت و فلاحت  
منتها درجه ترقی را داشته است .

حقیقت اینست که اراضی شام اساساً از  
نظر ثروت و حاصلخیزی بهترین نقاط روی زمین  
میباشد ، مشروط بر اینکه از مظالم و تعدیات جنس  
بشر محفوظ ماند .

(۶۰) - روایتی از معناه اطراف شهر دمشق

در دوره باستان در آنجا بدون هیچ زحمتی  
انواع و اقسام محصول از قبیل : گندم ، جو ،  
پنبه ، توت ، زیتون ، برنج ، مرکبات و غیرها  
بعمل میآمدند . در جنگلهای کوه لبنان اقسام  
درختهای قیمتی از قبیل : بلوط ، چنار یا سرو  
آزاد و نیز انجیر جنگلی وجود داشت . غرض  
بدون رنج دست و عملیات انسانی این میدان  
رزم آزمائی اقوام و ملل مختلفه در حقیقت نمونه ای  
از بهشت بوده و زمین موعودیکه توریة نوید آنرا  
همیشه به یهود میداده کاملاً بر آن صدق مینمود  
و راستی یکی از سرزمینهای عجیب دنیا بوده است  
چنانکه بکنفر شاعر عرب در توصیف آن میگوید  
که : « در قلل هر يك از جبال آن زمستان و

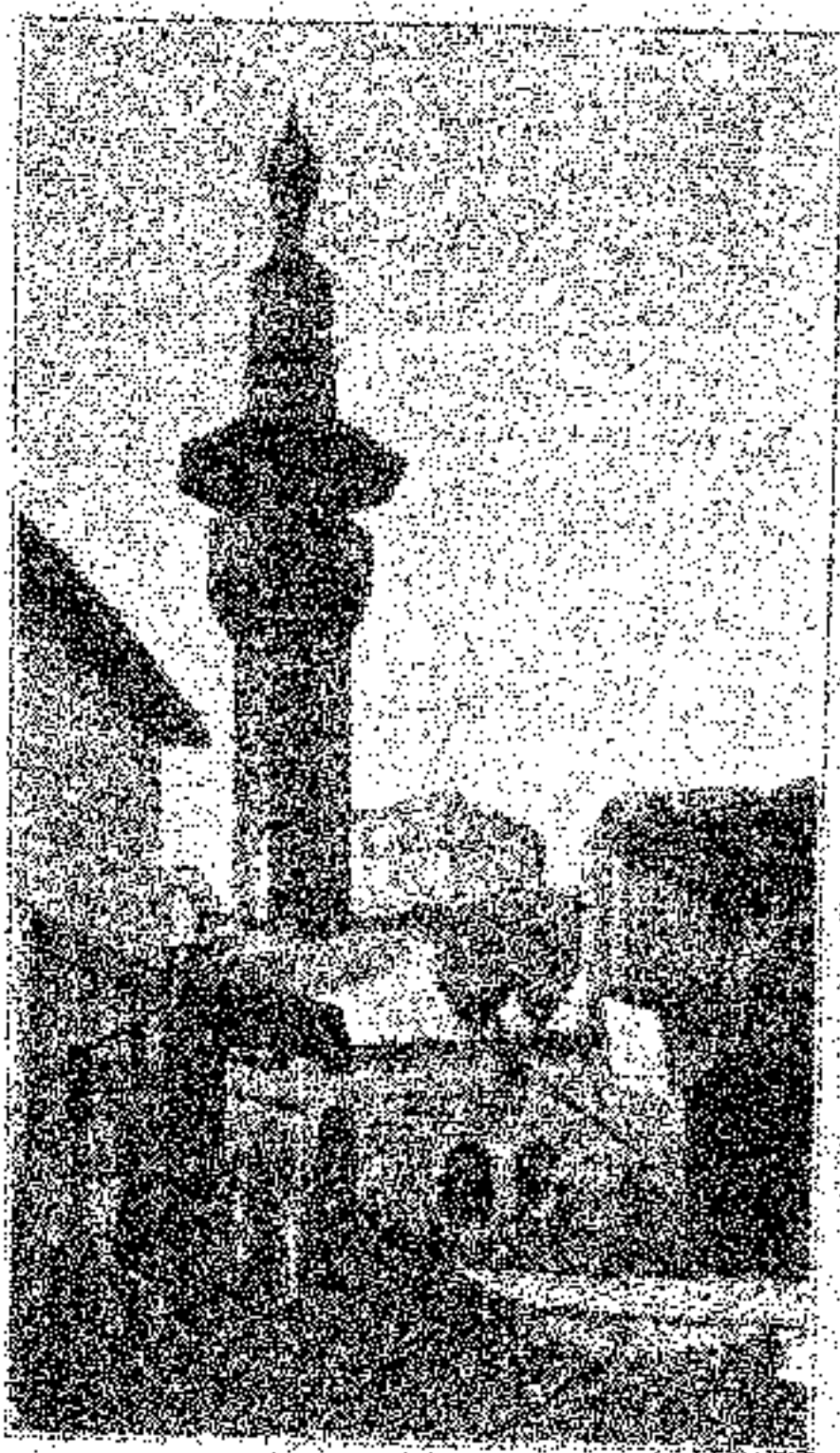
روی شانه آن بهار و سینه آن خزان و پایان آن تابستان وجود دارد »

( بعبارة اخری تمام فصول اربعه در کوههای آن موجود است ) .



در ثبوت ترقی مدنیّت اسلامی  
اولاً کتب تاریخ، ثانیاً ابنیه و عماراتی  
میباشند که از اسلام در اینجا بپادگار  
مانده اند.

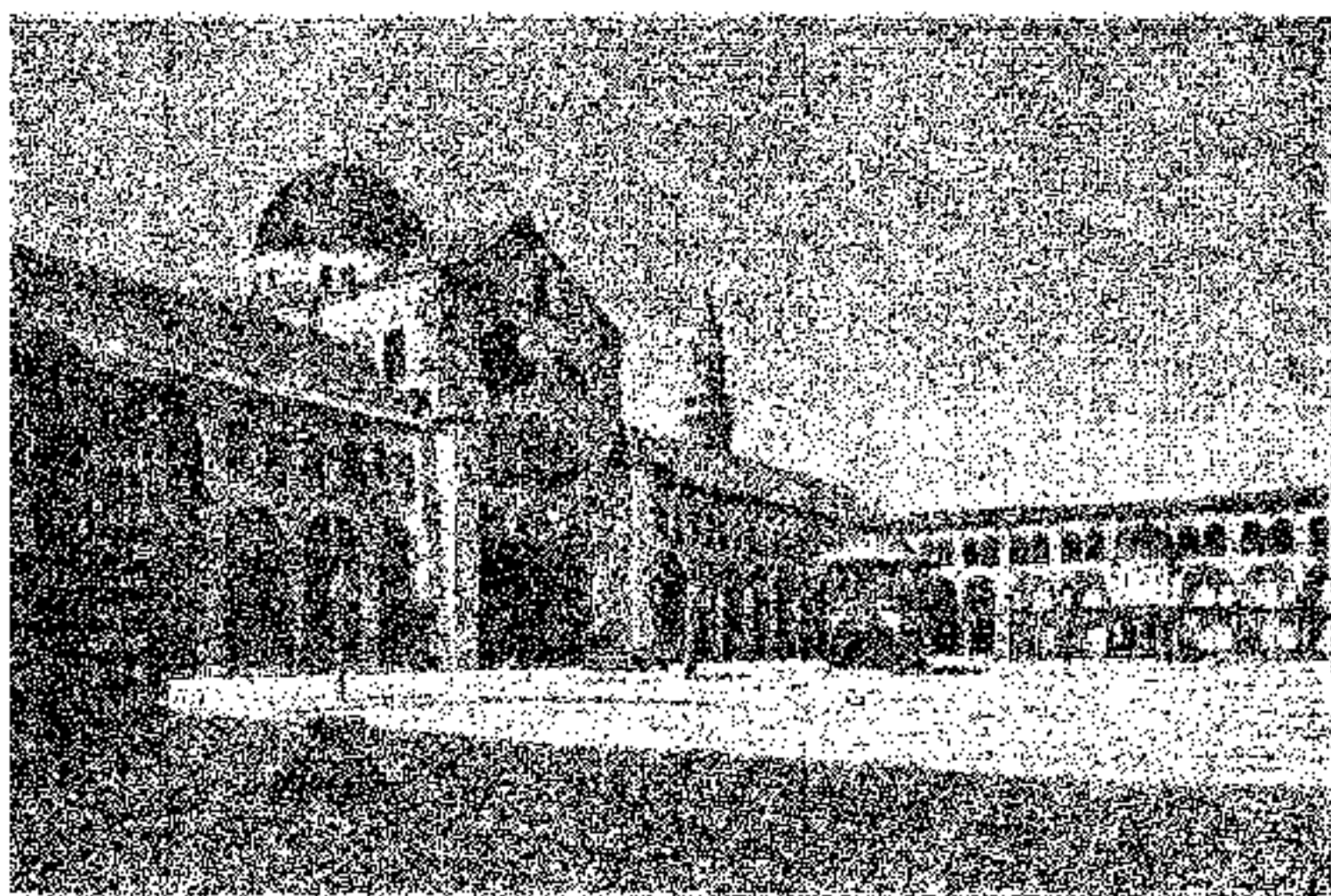
از تواریخ چنین بر میآید که  
این کشور بعد از فتح مسلمین دفعه  
بنای ترقی را گذاشت. برای اخذ  
علوم و فنون یونان در مسلمین همان  
جوش و حرارت پیدا شد که در جنگ  
از خود بروز دادند و در اندک زمانی  
کار بجائی رسید که در تمام علوم و فنون  
و ادب ترقیات نمایانی حاصل نمودند  
و شاگرد بنای استاد را گذاشت.  
تا وقتی که سلطنت اسلام تجزیه  
نشده بود، شام بحال ترقی بود.  
موقعیکه بنای تجزیه و تقسیم شد  
این کشور هم رو با انحطاط نهاد و



(۱۶) یکی از خیابانهای دمشق

تباهی آن وقتی بوده است که حکومت آن بدست ترکان افتاده و از همانوقت هم  
تباهی آن بانتهاء رسید. وسایل و اسباب حیرت انگیز را که مسلمین در علوم و فنون  
و نیز در تجمل و زینت از خود بپادگار گذارده بودند تمام آنها معدوم و نابود گردید.  
کوهها از جنگل خالی، قری و قصبات زرخیز که آخرین درجه خرمی را دارا بودند  
تماماً ویران و چراغها بکلی خاموش شهرهای معمور و آباد صور و صیدا از سکنه  
خالی ماند و بدون مبالغه میتوان گفت که از قدم عشایرها دیگر درین سرزمین نه گیاهی  
روئید و نه درختی سبز شد.





(۶۲) - منظره حیاط مسجد بزرگ دمشق

مسیو داوید (۱) در تاریخ خود راجع بشام بشرح ذیل مینویسد :

« تمدن عرب و اسلام عبث و بیهوده در این کشور مانند روم و یونان اینقدر عجائب صنعتی و هنر جمع نمود ، دروغ از آن قصور و عمارات با شکوه ، دروغ از آن اسباب و لوازم حیرت انگیز عیش و طرب ، دروغ از آن زبان پر از لطافت ، دروغ از آن تصانیف عالیة ادبی و علمی ! دروغ از دمشق و آنهمه صنایع عجیبه گرانبھائی که در آن بکار برده و شهرت آن هنوز باقی است ، دروغ از حلب و آن پارچه های حریر لطیف که دیده را خیره مینمود ، افسوس که جبال حوران دوباره لباس سبز پوشید ! عبث که درختهای حوران دوباره میوه های طلائی داد ! بیهوده که اهالی حوران در صنایع و هنر بدرجہ کمال رسیدند ! وحشیان قفقاز و ماوراء خزر که از آنها نادان تر ، وحشی تر ، بیرحم تر ، طمع کار تر ، فرقه ای در میان مهاجمین و فاتحین دنیا نیامده بدون بالک و پروا ، بی اندیشه و فکر و بی هیچگونه دروغ و افسوس آثار علمی و صنعتی آنانرا

۱- David.

سوزانده و خاکستر آن را بر باد دادند. اهل صنایع و حرف را قتل عام کردند. آنچه را که در خور بردن بود با خود بردند و آنچه را هم که نمیتوانستند با خود ببرند شکسته و خرد نمودند.

امروز هم اراضی زر خیز شام یکسره بایر و خراب افتاده و من در سیاحت آنجا وقتی که این حالت را مشاهده کردم بر حیرت و تأسفم افزود و بمن معلوم گردید همان کشوری که در یک عصر باعلی درجه ثروت خیز و دائر و آباد بوده امروز باندازه ای خراب و بایر است که حتی استعداد روئیدت خس و خار هم در آنجا باقی نمانده.

نگارنده از بیروت تا دمشق را که دیدم غیر از نقاط مجاور دیهات و قصبات جای دیگری سبز و آباد ندیدم. لبنان و جبال مقابل آن (جبل الشرفی) تماماً خشک و برهنه، حتی یکدرخت هم از نظر من نگذشت و تا دروازه بیت المقدس بکلی مخروبه و جز توده خاک و قطعات سنگ چیز دیگری بنظر نمی‌رسد (۱).

۱- علل عمده این تباهی زراعت و فلاحات شام اول خشکی است که از قطع اشجار پیدا شده، دوم غارت و چپاول اعراب بدوی، سوم ظلم و تعدی حکام و عمال عثمانی میباشد، زارع بیچاره چون بطور قطع میداند که ازرنج دست خود هیچ نتیجه نمیرد لذا تن بکار نمیدهد و زحمت نمیکشد، در صورتیکه باینکسرمایه مختصر و حکومت معندی که همبستدر جان و مال مردم محفوظ باشد میتوان این کشور را همدوش زر خیز ترین ممالک اروپا قرار داد و آبادش کرد. هر نوع محصول خصوصاً درخت توت و زیتون در نهایت خوبی و تقریباً بدون زحمت در آنجا بعمل میآید چنانکه از مندرجات ذیل که نتیجه تحقیقات محلی است میتوان از استعداد اراضی این کشور زمینه کافی بدست آورد. از چهل سال باینطرف اشخاص چندی دریافا و صیدا شروع به تجارت مرکبات نموده و آن حالیه یکی از منابع بزرگ عایدی کشور شمرده میشود، تقریباً سیصد و پنجاه باغ دریافا وجود دارد که در هر کدام از دوهزار الی سه هزار درخت مرکبات وجود دارد، قیمت هر باغی تقریباً بالغ بر صد الی صد و چهل هزار ریال میشود و میزان عایدی آن بالغ بر ۱۰۵۰۰ الی ۱۴۰۰۰ ریال است. مرکبات آن که خیلی درشت میشود بمصر و اسلامبول و اروپا حمل شده تقریباً هر هزار ریال بفروش میرسد و اما این تجارت را تا چه اندازه میتوان توسعه داد از اینجا میتوان فهمید که در حوالی یا فا اراضی که قابل تربیت مرکبات است هر جریبی ۳۵۰۰ ریال قیمت دارد، در صورتیکه بفاصله کمی از آن زمینهایی که هست قیمت آن را در هر جریبی بیش از ۵۰ و ۶۰ ریال نیست و حال آنکه با آبیاری مختصری که از آب رود خانه ممکن است صورت گیرد همین اراضی را هم میتوان در قیمت، همدوش اراضی بالا قرار داد. (مصنف)

## فصل چهارم

### آثار عرب در شام

اگرچه ابنیه و آثاریکه از اعراب در شام باقی مانده شماره آنها کم است لیکن نظر بقدمت و اهمیت تاریخی آنان لازم میدانیم شرح هر کدام را از نظر خوانندگان بگذرانیم.

مایهش از این گفتیم که در اعصار جاهلیت شهرهای بزرگ آبادی در جزیره نمای عربستان وجود داشت و خانه کعبه که زیاده از سیصد بُت در آن موجود بود از جمله ابنیه ایست که در دوره جاهلیت برپا شده ولی متأسفانه تغییراتی که بمرور زمان در این بنای تاریخی روی داده و مرمت ها و تعمیراتی که باختلاف زمان در آن بعمل آمده بعدتی است که شکل اصلی و وضع ابتدائی معماری آن بر ما مجهول مانده و نمیدانیم که آن چه بوده ، فقط ممکن است بعضی قسمتهای آن بصورت اصلی باقیمانده باشد .

بهر حال این امر مسلم است که در اوایل اسلام هر قدر ابنیه و عماراتی که بنام اعراب بنا شده معماران آن عرب نبودند ، مثلاً در کلیساها و بُتخانهها برای بناء مسجد تغییرات و تبدیلاتی که داده یا عماراتی از مصالح ابنیه قدیمه بنا نمودند معماران آنها بومی و از سکنه سرزمینهای مغلوب بوده و ظن قوی این است که تمام آنها یا ایرانی و یا از اتباع روم شرقی بوده اند . مثل اعراب با این معماران جدید مثل يك نفر تازه بدولت رسیده بوده که قسمتی از مالیه تازه بدست آورده خود را صرف بنای عمارتی مینماید . در اینجا معمار و بناء هر که میخواهد باشد مسلم است که در طرز ساختمان ، سلیقه و ذوق صاحب بنا را مدخلیت داده عمارت را روی نقشه و طرز او بنا مینماید . لذا برای معماران ایران و روم شرقی لازم بود که در وضع معماری نظر و سلیقه اعراب را مراعات نمایند و همین مسئله سبب شد که بعد از مدت کمی ابنیه و عمارات وضع خاصی بخود گرفته آرایش و تزیینات اندرونی یا گل و بوته و نقش و نگار را بوضع ترتیب داده اند . که بین آنها با دیگر ابنیه و عمارات تفاوت محسوسی ظاهر و هویدا میگردد . ممکن است بواسطه اختلاف محیط طرز ترکیب این تزیینات و نقش و نگارها در يك جا ایرانی

و جای دیگر روم شرقی یا هندی باشد لیکن وضع مجموعی عمارت و تناسب قسمتهای مختلفه آن بکلی عربی است<sup>۱</sup> ما اینک ابنیه و عمارات چندی که از اعراب در شام بیادگار مانده در زیر بیان میزنمائیم.

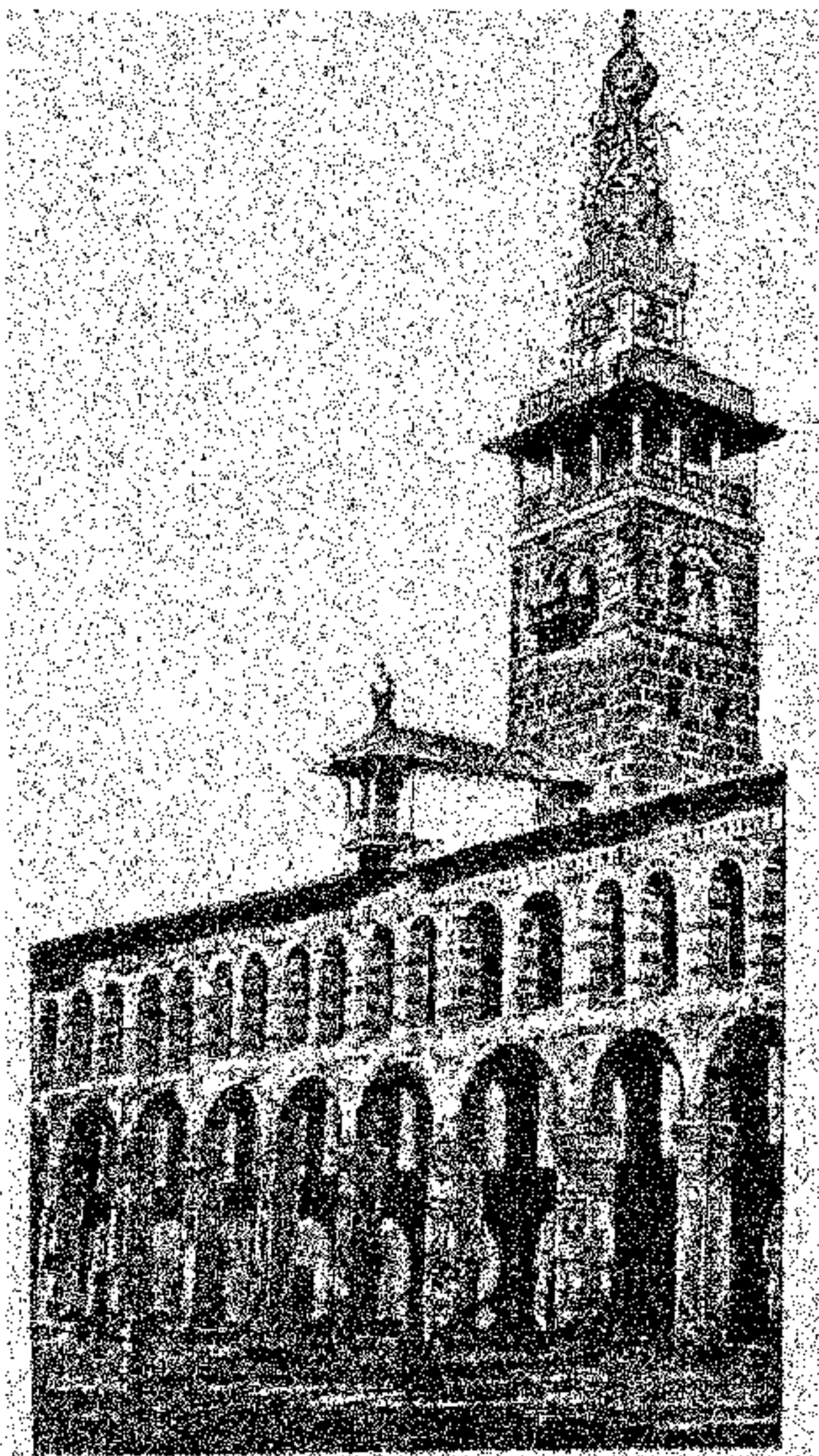
در نظر مسلمین بعد از مسجد نبوی محلی متبرک تر از مسجد **مسجد عمر** (۱) بیت المقدس نیست که بنام **عمر** مشهور است. هنوز از آن زمان آنقدر نگذشته که یکسفر اروپائی مجاز نبود که داخل این مسجد بشود. زمان جنگ صلیب و قتیکه نصاری داخل مسجد نامبرده شدند وضع بنا و طرز معماری آن بنظر ایشان حیرت انگیز آمده چنین تصور میکردند که این بنا همان پرستشگاه **سلیمان** است که بشکل مسجد درآمده است. نقشه این مسجد در اروپا تا ایندرجه حائز اهمیت گردید که بسیاری از کلیساها را مطابق نقشه آن بنا نمودند. مسجد نامبرده را میتوان گفت اولین بناء مذهبی است که مسلم و یهود در نصاری بالاتفاق آنرا مقدس شمرده احترام میکنند.

**مسجد عمر** در همان محلی که پرستشگاه مشهور **سلیمان** بوده و **هرود** (۲) آنرا امرت کرده و از نو ساخت هنگامی که **تیتوس** (۳) کوشش میکرد این پرستشگاه را از حریق نجات دهد خود او هم برای يك لحظه که آنرا دیده غرق حیرت شده بود. سنگی که **ابراهیم** خواست فرزندش را روی آن قربانی کند در همینجا واقع است در عالم کمتر مقامی است که اینقدر مقدس شمرده شود و جای تردید نیست که غیر از مقام نامبرده مقامی یافت نمیشود که در آن اینهمه پرستش های گوناگون شده باشد. **سلیمان** در اینجا خدای یهود را عبادت کرده، رومیان خدای بزرگ خود **ژوپیتر** را که رب الارباب میشمردند در همین مقام پرستش نموده، پیروان صلیب صورت **مسیح** را در اینجا

۱- بگراورهای شماره ۶۵ و ۶۶ و ۶۷ رجوع شود.

۲- Hérod (هیردوس) یکی از سلاطین جودیا میباشد. او زوجه خود **هریم** و دوسرش را بقتل رسانید و هیکل را از نو ساخت. ولادتش ۷۳ و وفات او سنه ۳ قبل از مسیح میباشد.

۳- Titus. همین امپراطور روم بوده است زمان او بیت المقدس فتح و بر باد داده شد سنه ۷۰ میلادی سال پیدایش سنه ۴۰ و وفات سنه ۸۱ میلادی.



(۶۳) - مناره حضرت عیسی در جامع دمشق

گذارده و حالیه هم پیروان اسلام خدائی را که **محمد ص** یدغمبر اوست در این مقام پرستش مینمایند. اهمیت مسجد عمر فقط برای این نیست که در آن عبادت‌های مختلف بعمل آمده و خاطرات گونا گونی را بخاطر ما میآورد بلکه از حیث معماری هم یکی از ابنیه عالیه شمرده میشود حتی در میان عمارات مهمه فلسطین باید آنرا از همه عالیتر و مجلدتر دانست.

این مسجد در يك میدان وسیعی واقع است که طول آن تقریباً پانصد متر و مجموع مساحت آن مساویست باریع شهر بیت المقدس. در اطراف مسجد محوطه ایست که آنرا حرم شریف مینامند و عمارات و ابنیه چندی که مشهورترین آنها مسجد اقصی میباشد در همین محوطه واقع است.

از تحقیقات جدیده ثابت شده که سطح حرم در حقیقت همان قلعه کوه موربا بوده است که **سلیمان** آنرا از اطراف بالا برده برای بنای معبد خود مسطح نمود. یهود و عالی‌الخصوص هرود چندین بار بر توسعه سطح مزبور افزودند. سنگ متبرکی که اکنون در وسط مسجد واقع است شاید همان قلعه کوهی باشد که **سلیمان** در موقع تسطیح آنرا بحالت اصلی خود باقی گذاشت.

مسجد روی صفت مربع مستطیلی بنا شده که از سطح حرم تقریباً سه متر ارتفاع دارد و آن مخصوصاً واقع در همان مقامی است که معبد اسرائیل در آنجا بوده است. برای رفتن بالای صفت از هر طرف پله هائی تعبیه شده و بالای آنها طاقهائی است جنابقی که روی ستونهای از سنگ مرمر قرار گرفته‌اند. بالای صفت بناهای چندی از قبیل منبر و عطف، محراب و غیره ساخته شده که بعضی آنها قابل ملاحظه است.

اروپائیسان که آنرا مسجد عمر نامیده باشند رفته اند، بنای مزبور نه مسجد است و نه عمر آنرا بنا کرده، توقف عمر در بیت المقدس آنقدر طول نکشید. آری او فقط محلی را برای بنای مسجد تعیین نمود. بر طبق تحقیقات **مسیو ووک** (۱) معبد مزبور در سال ۷۲ هجری (۶۹۱ میلادی) بنا شده است که مدتی بعد از فوت عمر

میشود، عرب آنرا قبة الصخره مینامد و حقیقت هم این بنا را باید گنبدی عظیم الشان نامیده که سنگ متبرک مزبور را پوشانیده است.

صورت مجموعی آن، طرز معماری روم شرقی را بیادما میآورد. لیکن خلفای اسلام در قرون مختلفه آنرا از نو تعمیر و ترمیم کرده اند و بدینجهت یادگار نامبرده نمونه های صنعت معماری قرون مختلفه اسلامی را در نظر ما جلوه گر میسازد (۱).

شکل مسجد هشت ضلعی است و در چهار سمت آن چهار دروازه بنا کرده اند. دیوارهای اندرون مسجد نصفه پائینش از سنگ مرمر پوشیده و قسمت بالای آن تا ارتفاع معینی با کاشیهای مینائی منقش بنقوش بدیعه و بانواع گل و بوته تزیین یافته است این کاشیها که نمونه ایست از صنعت کاشی کاری ایران بعد از بنای مسجد بیک مدت طولانی یعنی در سال ۱۵۶۱ میلادی عصر شاه سلیمان (بن سلطان سلیم) درین مسجد بکار برده اند. وقتیکه شعاع آفتاب بآن میتابد مثل جواهر بنای لمعان و درخشندگی را گذارده، لطف مخصوص و کیفیت عجیبی در دماغ ناظر ایجاد میکنند که در دیوارهای

۱- راجع بسجد عمر و سایر ابنیه شرحیکه در این کتاب ذکر نموده ایم، نهایت درجه مختصر و همینقدر است که بدین وسیله گراورهای این ابنیه را بتوان بتصور درآورد والا بیشتر این عمارات و ابنیه بقدری عالی و مهم هستند که اگر طرز معماری و ساخت آنها را تفصیلاً بخواهیم شرح بدهیم کم و بیش یک جلد کتاب خواهد شد. مثلاً مسبو و وقت فقط در بیان مسجد عمر یک جلد کتاب مستقل نوشته است و یا **اوین جونس** راجع بقصر الجمره تنها دو جلد کتاب قلمور که دارای گراورهای زیاد هم هست تألیف کرده و همچنین **پریس داورسن** در بررسی ابنیه و عمارات فاهره سه جلد کتاب تصنیف نموده است. غالب سیاحان در کتب خود فقط بذکر اسامی عمارات و ابنیه اسلامی اکتفا نموده و از ترمیم گراور و شرح و بیان آن صرف نظر نموده اند، در صورتیکه یک عکس صحیح کارهزاران صفحه نگارش و تجریر را میکنند و از اینرو ما امیدواریم خوانندگان کتاب بوسیله گراورها بتوانند از حقیقت این آثار و یادگارهای اسلامی تصویری بخاطر آرند.

اما راجع بسجد عمر همینقدر میگوئیم گراوری که از آن در کتاب درج میباشد نسبت بتمام گراورهای قدیم و کهنه براتب عالیتر و صحیح تر است، چه ماخذ آن، تصاویر عکسی بوده و بدینوسیله که برای نشان دادن نکات و نازک کاریهای اینگونه ابنیه جز عکس وسیله دیگری نیست، لیکن بوسیله کم و زیادی روشنی بخش اندرونی عمارت، برداشتن چنین عکسهائی بسیار مشکل است و بدین جهت گراورهائی که در این کتاب دیده میشود با زحمات زیاد، آنها را تهیه نموده ایم (مصنف).



ساده و خفته اروپا هیچوقت چنین درخشندگی و رنگ آمیزی بنظر نمیرسد و در حقیقت اثر مجموعی آنرا جز بخواب و خیال بچیز دیگری نمیتوان حمل کرد و مثل این است که انسان در سر زمین یربان ایستاده باشد ولی اگر از من حقیقت آنرا سؤال کنند قشنگی و زیبایی آن از خواب و خیال هم بالاتر است.



نقشه درون مسجد خیلی ساده است؛ یعنی در وسط بنا سنگ متبرک مزبور واقع شده و گرد آن طارمی مدوری باد و محوطه هشت ضلعی متحدالمرکز که یکی در میان دیگری واقع گردید در اطراف آن طارمی بنا کرده اند.

(۶۴) - دبستان و شاگردان دبستان در دمشق

آرایش و نقش و نگار درون مسجد در نهایت درجه شکوه و زیبایی است. ستونهای محوطه اولی از یک پارچه سنگ مرمر میباشد و آنها از حیث ارتفاع و حجاری با هم فرق دارند که خود یک ثبوتی است بر قدمت آنها و دیگر آنکه از ابنته خراب شده باستانی گرفته شده اند و نیز سرستونها در شکل و تراش با هم اختلاف دارند و بطوریکه معلوم میشود در ابتدای عصر سلطنت روم شرقی حجاری شده اند. در قسمت بالای دیوارها کاشی کاری معرق بسیار نفیس و عالی بعمل آمده و چنین مینماید که آن یکی از شاهکارهای صنعتی قرن دهم میلادی است. در قسمت پائین گنبد منطقه پهنی تعبیه شده و در آن آیات قرآنی مربوط به حضرت مسیح با حروف طلا بخط کوفی منقوش است.

این گنبد در سال ۱۰۲۲ میلادی که صنعت معماری اسلامی در آن عصر باوج کمال بود دوباره تعمیر و تکمیل شده است و بدینجهت طرز بنای اندرونی آن دیده میشود که در نهایت زیبایی است یعنی انواع نگارهای قشنگ و زمینه و طرحهای مختلف کاشی کاری معرق و گل و بوته های درهم که از بدایع صنعتی اسلامی است در آن دیده میشود.



(۶۵) - نمای خارجی مسجد عمر در بیت المقدس

